



سهیل معینی

سهیل معینی کارشناس ارشد روابط بین‌الملل است. او اولین فرد دارای معلولیتی رفاه فعالیت کرده‌است. معینی سال‌ها به عنوان کارشناس خبر در خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران مشغول بوده است. وی همچنین نخستین سردبیر و مدیر مسئول نابینای یک روزنامه در تاریخ کشور است. او مدیر عامل انجمن باور و عضو ستاد مناسب سازی فضاهای شهر تهران و مدیر عامل شبکه تشکل‌های نابینایان کشور هم می‌باشد. با او در محل روزنامه ایران در مورد شبکه تشکل‌های نابینایان کشور به گفت‌وگو نشستیم.

لزوم ایجاد صدای واحد، منجر به تشکیل شبکه ملی نابینایان شد

به مجلس کمک بسیاری کرد. بالاخره قانون جامع حمایت از حقوق معلولان تدوین شد و در سال ۱۳۸۳ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. در گردهمایی سال ۷۸ گروه دیگری هم مأمور ایجاد شبکه ملی نابینایان شدند که منجر به شکل گرفتن نهادی به نام شورای مرکزی تشکل‌های نابینایان و کمپینایان کشور شد. برای تدوین اساسنامه شبکه ملی نابینایان و تصویب آن در وزارت کشور هم سه، چهارسال سیری شد. این شورا پس از تصویب، چهار دوره دوساله را پشت سر گذاشت ولی متأسفانه در کل موفق نبود و نتوانست ادامه پیدا کند.

علت این عدم موفقیت از نظر شما چه بود؟
به نظر من اعضای که وارد هیات مدیره شدند، با جایگاه این تشکل آشنا نبودند و نگاهشان بیشتر محلی بود. تجارب این افراد در حدی نبود که بتوانند در سطح ملی کار کنند. به دلیل فقدان تجربه کافی در حد ملی و فقدان برنامه‌ریزی فعالیت این شبکه ادامه پیدا نکرد و وزارت کشور

شبکه ملی تشکل‌های نابینایان و کمپینایان تنها شبکه موجود از یک گروه مشخص معلولیتی در کشور است

این پیشنهادها در این گردهمایی به تصویب جمع رسید و مأموریت تدوین پیش‌نویس قانون جامع را به من دادند. برای تدوین این قانون یک کمیته پنج‌نفره از اعضای سمن‌های مختلف تشکیل دادیم و سه چهار سال روی آن کار کردیم. در سال ۸۲-۸۱، سازمان بهزیستی هم به ما اضافه شد. به همین دلیل است که همیشه تأکید می‌کنم که قانون جامع حمایت از حقوق معلولان دستاورد سمن‌ها است نه سازمان بهزیستی. البته سازمان بهزیستی در تکمیل آن و بردنش

در مورد شبکه ملی نابینایان برایمان بگویید. اینکه از چه زمانی ایجاد شد و چه لزومی در ایجاد شدنش وجود داشت؟

”شبکه چاوش“ اسم اختصاری شبکه تشکل‌های نابینایان و کمپینایان کشور است. تشکل‌های نابینایان در سال ۱۳۷۸ در شهر اصفهان یک گردهمایی برگزار کردند و من هم به عنوان سردبیر روزنامه ایران سفید، در آن شرکت کردم. در این گردهمایی بحث‌های مختلفی مطرح شد. از جمله اینکه؛ مهم‌ترین ضرورت‌ها و اولویت‌های جامعه نابینایان چیست و چه اهدافی را باید دنبال کنند؟ در این نشست من به دو کمبود جدی زیرساختی و زیربنایی اشاره کردم و گفتم که اگر این دو نیاز برآورد شود، می‌توانیم به کل خواسته‌های اجتماع مان برسیم. یکی از این‌ها، فقدان قانون جامع حمایت از حقوق معلولان از جمله نابینایان است و دیگری هم نداشتن صدای واحد از طرف تشکل‌های نابینایان در کل کشور است که توسط آن صدای نابینایان در سطح ملی شنیده شود. هر دوی



شماره ۵۵ پاییز ۱۳۹۴

هم قصد لغو مجوز آن را نمود. ولی در سال ۹۳-۹۲ دوستانی به این فکر افتادند که شبکه‌ای که با مشقت زیاد ایجاد شده بود را مجدداً احیا کنند. با رایزنی‌هایی که یک‌سری از دوستان با وزارت کشور انجام دادند، بالاخره این شبکه در حد ملی شکل گرفت و مجوزش لغو نشد.

قرار شد با ایجاد تغییراتی این فعالیت به جریان بیفتد. یکی از این تغییرات با اصرار وزارت کشور، تغییر نام این مجموعه از شورای مرکزی تشکل‌های نابینایان به شبکه ملی تشکل‌های نابینایان و کم‌بینایان بود و اسم چاووش هم برای آن پیشنهاد شد. تغییراتی هم در اساسنامه ایجاد شد و قرار شد تنها تشکل‌هایی بتوانند در شبکه ملی نابینایان و کم‌بینایان عضو شوند که مجوزشان را از وزارت کشور گرفته باشند. به این ترتیب تشکل‌هایی که از سازمان بهزیستی یا نیروی انتظامی مجوز داشتند، نمی‌توانستند به عضویت شبکه در بیایند. با قبول این تغییرات شروع به فعالیت کردیم و نخستین دوره انتخابات بعد از سال ۹۳ را با حضور بیست‌وسه تشکل نابینایان استانی برگزار نمودیم. شبکه ملی تشکل‌های نابینایان و کم‌بینایان، تنها شبکه یک گروه مشخص معلولیتی در کشور است. فعلاً به‌طور رسمی، هیچ شبکه سراسری تشکل‌های معلولان در کشور وجود ندارد.

این شبکه دو ویژگی دارد: یکی اینکه تنها شبکه یک گروه مشخص معلولیتی است. یعنی معلولان جسمی حرکتی، ناشنوایان و معلولان ذهنی، شبکه ملی ندارند. ویژگی دوم آن این است که تنها شبکه ملی است که جدا از تخصصی معلولان بودن، گروه‌های مختلف دیگر هم یک شبکه سراسری در ابعاد ملی ندارند. بعد از برگزاری انتخابات، هیات مدیره شبکه انتخاب شد و شروع به فعالیت کرد.

هدف از راه‌اندازی این شبکه چیست؟

به‌طور خلاصه می‌گوییم که این شبکه، صدای واحد همه نابینایان در سراسر کشور است و قرار است میان تشکل‌های نابینایان در سراسر کشور هماهنگی ایجاد کند. همچنین علاوه بر ایجاد زمینه برای تبادل تجربه میان تشکل‌های داخلی، با سمن‌های بین‌المللی نابینایان هم ارتباط برقرار می‌کند. از دیگر برنامه‌های شبکه نابینایان،

نابینایان گروه معلولیتی در کشور هستند و در حال حاضر مهم‌ترین اولویت آنها، اشتغال متناسب با تحصیلاتشان است

برگزاری برنامه‌های توانمندسازی برای تشکل‌های زیرمجموعه است. شناسایی اولویت‌های نابینایان در سراسر کشور و اعلام آن به نهادهای دولتی و ایجاد پل ارتباطی بین تشکل‌های نابینایان کشور با مجلس و دولت در بالاترین سطوح، از اهداف اصلی ایجاد این شبکه است.

به نظر شما در حال حاضر اولویت‌های حوزه نابینایان چیست؟

اولویت‌ها در طول زمان می‌توانند تغییر کنند ولی در حال حاضر مهم‌ترین اولویت نابینایان، اشتغال متناسب با تحصیلات آنها است. نابینایان تحصیل کرده‌ترین گروه معلولیتی کشور هستند ولی تناسبی بین اشتغال آن‌ها و تحصیلاتشان وجود ندارد. در آماری که دو سه سال پیش گرفتیم، بالای پنج هزار نابینای فوق‌لیسانس و دکترا داشتیم. پس اشتغال پایدار برای این افراد از مهم‌ترین اولویت‌هاست. دومین اولویت نابینایان، ایمن‌سازی شهرها در تردد است که البته همان بحثی است که شامل همه افراد دارای معلولیت هم می‌شود. سومین اولویت، اجرای برنامه‌های دقیق توان‌بخشی برای افراد نابیناست. واقعیت این است که برنامه‌های توان‌بخشی برای نابینایان، در سراسر کشور وضعیت خوبی ندارند و هیچ‌گونه برنامه‌ریزی واحدی در این زمینه وجود ندارد. به همین دلیل ما به عنوان انجمن باور که دفتر مرکزی شبکه ملی هم در آن قرار دارد، طرحی را با عنوان طرح توانمندسازی نابینایان شروع کردیم. در این طرح هدفمان سروسامان دادن به وضعیت توان‌بخشی نابینایان است. در همه سال‌های گذشته، سازمان بهزیستی کشور در توانمندسازی افراد نابینا دچار غفلت و بی‌توجهی بوده است. مثلاً اگر زوج جوانی دارای یک بچه نابینا

شوند، نمی‌دانند چه کار باید بکنند و چه آموزش‌هایی برای آنان وجود دارد؟ مهم‌تر این‌که آموزش‌هایی که در این زمینه در سراسر کشور ارائه می‌شود، شکل واحدی ندارند. یک بعد دیگر هم بی‌توجهی سازمان بهزیستی به تجهیزات توان‌بخشی نابینایان است. سال‌هاست که بیشتر بودجه سازمان بهزیستی، صرف تجهیزات توان‌بخشی برای گروه‌های دیگر می‌شود و سهم افراد نابینا در این میان مشخص نیست. به‌طور مثال، بعد از این همه سال هنوز سازمان بهزیستی نتوانسته یک عسای استاندارد که مهم‌ترین نیاز برای استقلال فرد نابیناست را طراحی کند و در اختیار متقاضیان قرار دهد. یا تجهیزاتی مثل تجهیزات کامپیوتر که به علت تحصیل کرده بودن افراد نابینا، در انجام کارها خیلی مورد نیازشان است را در اختیارشان قرار دهد.

کمک به ازدواج افراد نابینا و آموزش‌های پیش و پس از ازدواج، از مشکلات دیگر است. در طرح توانمندسازی نابینایان، زنان تحصیل کرده با مدرک فوق‌لیسانس و دکترا داریم که تا به حال برای خودش یک جای نریخته و نمی‌داند چگونه آشپزی و خانه‌داری کند؟ این یکی از معضلات عمده است که باید به آن توجه شود. متأسفانه خانواده‌ها نمی‌دانند چگونه باید این آموزش‌ها را بدهند و ناخواسته باعث محدودیت‌های مضاعف برای این افراد می‌شوند. این یکی از وظایف شبکه ملی است که از طریق برنامه‌های جامع، هم سازمان بهزیستی را وادار کند و هم تشکل‌ها را راهنمایی کند که در جهت رفع این مشکلات گام بردارند.

این شماره نشریه به انتظارات افراد دارای معلولیت از شورای شهر و شهرداری برمی‌گردد. شما به عنوان یک فرد فعال در امور نابینایان چه انتظاری از شورای شهر جدید دارید؟

انتظارات ما انتظارات جدیدی نیستند. از شورای شهر می‌خواهیم انتظاراتی را که بر زمین مانده را انجام دهند. شورای شهر مسئولیتش این است که خدمات شهری را مدیریت کند و نیاز شهروندانی که معلولیت دارند یا سالمند هستند را برآورده کند. این اقدامات سطوح مختلفی دارد. از بحث امکان مشارکت اجتماعی و پیشبرد امر مناسب‌سازی و استانداردهای گرفته تا نظارت بر امر



افراد کم‌بینا هستند و بیست درصد از آنها هم، یعنی حدود ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار نفر می‌شود دچار نابینایی مطلق هستند. البته حتماً در مورد افراد دارای اختلال بینایی آمار بیش از این باید باشد چون بسیاری از افراد از مشکل بینایی خود آگاه نیستند و عده‌ای هم هنوز به پزشک به دلیل کمبود امکانات مراجعه نکرده‌اند. بنابراین قطعاً آمار نابینایان بیش از این است.

و سخن آخر...؟

شبکه ملی نابینایان و کم‌بینایان با طی فراز و نشیب‌هایی اکنون راه افتاده و حرکتش را شروع کرده است. این شبکه می‌تواند الگویی برای دیگر تشکلهای معلولان باشد تا اشتباهاتی را که ما داشتیم را تکرار نکنند. ما پنج گروه معلولیتی داریم و می‌توانیم پنج شبکه ملی داشته باشیم مثل؛ شبکه ملی معلولان جسمی حرکتی، شبکه ملی ناشنوایان، شبکه ملی کم‌توانان ذهنی و شبکه ملی بیماران اعصاب و روان که با شبکه نابینایان می‌شود پنج شبکه ملی.

امیدواریم که شورای شهر و شهردار جدید توجه بیشتری به شهروندان دارای نیازهای ویژه داشته باشند و گام‌هایی فراتر از قبل بردارند و در سطح بهتر و بالاتری حرکت کنند. چنین انتظاراتی را داشتیم که به آن‌ها رأی دادیم. البته به نظر من تشکلهای معلولان خودشان باید پیگیر خواسته‌هایشان از شوراهای باشند چون اگر نیازهایمان را به شوراهای منتقل نکنیم، ممکن است به علت سنگینی کار در اداره کلان‌شهری مثل تهران، اصلاً فراموش شوند و نه تنها معلولان که گروه‌های خاص مانند، زنان و کودکان و گروه‌های حاشیه‌نشین دیده نشوند. پس سمن‌ها باید فعالانه برخورد کنند و مسائلشان را پیگیری کنند.

هنوز سازمان بهزیستی نتوانسته یک عصابی استاندارد که مهم‌ترین نیاز برای استقلال فرد نابیناست را طراحی کند و در اختیار متقاضیان قرار دهد

کردید؟

من از طرف شبکه انجمن‌های نیکوکاری و به عنوان نماینده گروه‌های معلولیتی، با همه اعضای شورای شهر گفت‌وگوهایی داشتم. البته دوستان دیگری هم از طرف انجمن زنان سرپرست خانواده و کودکان کار هم حضور داشتند. درعین حال من با چند نفر از اعضای شورای شهر جداگانه هم دیدار داشتم و در مورد مسائل مربوط به حوزه معلولیت با آنها گفت‌وگو کردم.

کار دیگری که انجام دادیم، دیدار با کاندیداهای شهرداری بود. یک سند راهبردی را با عنوان سند راهبردی زندگی بهتر برای شهروندان دارای نیازهای ویژه، تنظیم کردیم و ارائه دادیم تا به شهردار تهران منتقل شود. در واقع به دنبال این هستیم که اولاً آن اتفاق فکر ثابت را در کنار شورای شهر جدید ایجاد کنیم و بعد بتوانیم با شهردار تهران ارتباط مستمری برقرار کنیم تا این سند اجرایی شود.

آیا اکنون آمار دقیقی از نابینایان کشور تهیه شده‌است؟

آمار وجود دارد ولی دقیق نیست. طبق آمار موجود چیزی حدود نیم میلیون نفر نابینا در کشور وجود دارند که از این تعداد، حدود هشتاد درصد

مناسب‌سازی و بحث دسترس‌پذیری در سامانه‌های حمل‌ونقل عمومی مثل مترو و اتوبوس‌رانی و... افزون بر این، اختصاص سهم حقه این شهروندان از بودجه اجتماعی، فرهنگی و رفاهی شهر است، یعنی اگر خدمات فرهنگی به همه شهروندان داده می‌شود، شهروندانی که معلولیت دارند هم باید به این خدمات فرهنگی دسترسی داشته باشند. من همیشه به دنبال پیگیری ضمانت اجرایی این اقدامات از طریق تشکیل نهادهایی با حضور شهروندان دارای معلولیت بوده‌ام. توصیه‌ام به نمایندگان شوراهای شهر در همه شهرها این است که اتاق فکری را در کنار شورا با حضور نمایندگان گروه‌های مختلف معلولیتی تشکیل دهند که از طریق آن نیازهای این اقشار به‌طور مداوم به شورای شهر منتقل شود. این نهاد باید بتواند مشورت‌های تخصصی به شهرداران شهرهای مختلف را ارائه دهد و پیگیر رفع مشکلات افراد کم‌توان باشد. اگر بتوانیم چنین نهادی را شکل دهیم، می‌توانیم بسیاری از خواسته‌های خود را پیش ببریم، در غیر این صورت فقط می‌ماند ارتباطات مناسبی با شورای شهر و شهرداران که گره‌ای از کار ما باز نمی‌کند!

آیا شما با اعضای شورای شهر جدید ارتباط برقرار کرده‌اید؟

بله، ما دو کار انجام دادیم. یکی برگزاری جلساتی با اعضای شورای شهر جدید که سعی کردیم از همین ابتدای کار توجه آن‌ها را به بحث نیازهای ویژه شهروندان جلب کنیم که خوشبختانه فضای خوبی هم ایجاد شد. خیلی از این افراد از قبل با این حوزه آشنایی و ارتباط داشته‌اند.

شما با چه عنوانی در این جلسات شرکت

